

مبانی و چشم‌انداز روان‌شناسی اجتماعی بر اساس منابع اسلامی و مقایسه آن با روان‌شناسی اجتماعی معاصر

Foundations and Prospects of Social Psychology Based on Islamic Sources and Its Comparison with Contemporary Social Psychology"

محمد کاویانی / استاد گروه روان‌شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران.

Mohammad Kaviani / Professor of Department of Psychology, Research Institute of Hawzeh and University (RIHU), Qom, Iran. M_kavyani@rihu.ac.ir

Abstract

Moving toward 'Islamic Society-Building' requires a roadmap that properly articulates the role of various sciences-especially the 'human sciences,' including 'social psychology'-in society. The aim of this research is to present the foundations and outlook of Islamic social psychology. The research question is: What should the foundations and outlook of 'social psychology' be from an Islamic approach? To answer this question, data were collected through library research in two domains: psychological sources and Islamic sources. Data analysis was conducted through theoretical analysis and reasoning. Based on the findings: (a) All components (foundations, presuppositions, basic concepts, method, theoretical goals, and applied goals)-except for the definition-need to undergo changes. These changes must be such that all components align with Islamic teachings. Obviously, the alignment of each component (e.g., applied goals) with Islam entails other changes within the overall context of psychology; (b) Regarding the 'definition,' 'foundations,' 'concepts and issues,' and 'applied goals,' it was explained what changes they

چکیده

حرکت به‌سوی «جامعه‌سازی اسلامی» نیازمند یک نقشه راه است که ایفای نقش علوم مختلف، به‌ویژه «علوم انسانی»، از جمله «روان‌شناسی اجتماعی» در جامعه را به‌درستی بیان کند. هدف این پژوهش ارائه مبانی و چشم‌انداز روان‌شناسی اجتماعی اسلامی است. سؤال پژوهش این است که مبانی و چشم‌انداز «روان‌شناسی اجتماعی» با رویکرد اسلامی، چگونه باید باشد؟ برای پاسخ به این سؤال، گردآوری داده‌ها با روش مطالعات کتابخانه‌ای در دو حیطه منابع روان‌شناسی و منابع اسلامی انجام شد. تحلیل داده‌ها از طریق تحلیل و استدلال نظری صورت پذیرفت. بر اساس یافته‌ها: الف) لازم است که تمام ارکان (مبانی، پیش‌فرض‌ها، مفاهیم اساسی، روش، اهداف نظری و اهداف کاربردی) به جز تعریف، تغییراتی را بپذیرند. این تغییرات باید به‌گونه‌ای باشد که همه ارکان، منطبق با آموزه‌های اسلامی باشند. بدیهی است که انطباق یافتن هر رکن (به‌عنوان مثال، اهداف کاربردی) با اسلام، در بافت کلی روان‌شناسی تغییرات دیگری را اقتضا می‌کند؛ ب) در مورد «تعریف»، «مبانی»، «مفاهیم و مسائل» و «اهداف

require; (c) The more each component falls short of Islamic teachings, the further this psychology moves away from being Islamic.

Key words: Islamic human sciences, Islamic psychology, social psychology, Islamic society, Islamic society-building.

کاربردی» توضیح داده شد که چه تغییراتی لازم دارند؛ ج) هر قدر هرکدام از ارکان، با آموزه‌های اسلامی فاصله داشته باشند، به همان مقدار این روان‌شناسی، از اسلامی بودن فاصله می‌گیرد.

کلیدواژه‌ها: علوم انسانی اسلامی، روان‌شناسی اسلامی، روان‌شناسی اجتماعی، جامعه اسلامی، جامعه‌سازی اسلامی.

مقدمه

مطابق با فرهنگ انقلاب اسلامی، هر علمی، علاوه بر ارزش علمی و ذاتی که ممکن است داشته باشد، یکی از اصلی‌ترین معیارهای ارزشمندی آن عبارت است از کاربرد آن علم. بنابراین لازم است که ارزشیابی «روان‌شناسی اجتماعی معاصر» نیز با همین معیار انجام بشود. اساسی‌ترین کار در گام دوم انقلاب، عبارت است از اقدام بنیادین علمی و فراهم آوردن زیرساخت‌های علوم انسانی مطلوب در جهت جامعه‌سازی اسلامی و حرکت به‌سوی تمدن‌سازی اسلامی. «جامعه‌سازی اسلامی» به‌عنوان چهارمین حلقه از حلقه‌های تکاملی انقلاب اسلامی است؛ جامعه‌ای اسلامی که خطوط کلان حاکم بر آن، از قبیل قوانین و مقررات، نهادهای مختلف حاکمیتی و اجتماعی، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و... منطبق با مقاصد، اهداف و آرمان‌های اسلامی شکل گرفته باشد. در چنین جامعه‌ای، عدالت، امنیت، رفاه، پیشرفت، کرامت انسانی، استغنای ملی و... بر نقطه مقابل خود غلبه دارند. «جامعه‌سازی اسلامی»^۱ متأثر از علوم انسانی است.^۲ روان‌شناسی اجتماعی به لحاظ ماهیت روانی - اجتماعی که دارد، تأثیر

۱. کاربردهای اصطلاح «جامعه‌سازی» به چند معنی بوده است: ۱. وارد شدن فرد در مسائل اجتماعی منظور است، مثلاً می‌گویند «خودسازی بر جامعه‌سازی مقدم است»؛ ۲. گرد آمدن مردم به دور هم و تلاش‌های جمعی برای حل مسائل خودشان منظور است، مثلاً می‌گویند «تجربه شیعیان لبنان، یک الگوی مناسب بود برای جامعه‌سازی اقلیت‌های شیعه» (هاشمی‌نسب، ۱۳۹۸)؛ ۳. برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های بلندمدت توسط راهبرداران فرهنگی در جهت سامان‌دهی یک جامعه با ویژگی‌های خاص منظور است، مثلاً گفته می‌شود «قطار انقلاب در ایستگاه جامعه‌سازی متوقف شده است»؛ منظور این است که انقلاب، طبق فرمایشات مقام معظم رهبری، مراحل پنج‌گانه‌ای دارد که چهارمین مرحله‌اش، مرحله «جامعه‌سازی» است. این قطار در مراحل قبل، با سرعت حرکت کرد و از آنها عبور کرد، اما در این مرحله، سرعت لازم را نداشته است. در این پژوهش وقتی سخن از جامعه‌سازی اسلامی گفته می‌شود، همین معنا اراده می‌شود. منظور ما از «جامعه‌سازی اسلامی» که گاهی «جامعه‌پردازی اسلامی» نیز به آن گفته می‌شود، عبارت است از: «اقدامات علمی و اجرایی متعددی که راهبرداران فرهنگی در طول زمان، در حیطه‌های مختلف باید انجام دهند تا به جامعه ایدئال نزدیک شویم».

۲. جامعه‌سازی اسلامی در مقام نظر، نیازمند نقشه راهی است که همه ابعاد جامعه و زندگی اجتماعی و حکومتی را به‌عنوان یک جدول (پازل) جامع ترسیم کند. ترسیم این نقشه راه، بیشتر به عالمان علوم انسانی اسلامی و راهبرداران فرهنگی مربوط می‌شود، اما کیفیت پر شدن هرکدام از خانه‌های مختلف آن جدول، به متخصصان همان خانه و همان رشته تخصصی برمی‌گردد.

بسازی در تحقق جامعه‌سازی دارد. این رشته علمی در سه گام مهم می‌تواند ایفای نقش کند: ۱. در مقام توصیف؛^۱ یعنی بیان هست و نیست‌های روانی - اجتماعی جامعه موجود؛ ۲. در مقام تجویز؛ یعنی ارائه باورها، ارزش‌ها، هنجارها و رفتارهای مطلوبی که باید در این جامعه به‌تدریج ایجاد شود؛^۲ ۳. در مقام عملیاتی‌سازی و نهادینه کردن ارزش‌ها و باورهای مرتبط با روان‌شناسی.^۳ هیچ‌کدام از گام‌های سه‌گانه فوق در جامعه کنونی ما به‌اندازه کافی مورد توجه نبوده و جامعه ما را در حد خودشان به‌سوی «اسلامی بودن» سوق نداده‌اند.

هیچ رشته علمی نمی‌تواند به تنهایی عهده‌دار «جامعه‌سازی» بشود، بلکه هر رشته، شاخه یا دیدگاه علمی، فقط می‌تواند در حد گستره مسائل و موضوعات خودش در جامعه‌سازی ایفای نقش کند. بر این اساس لازم است که «روان‌شناسی اجتماعی» نیز، در این مسیر نقش خود را ایفا نماید، لکن از آنجاکه این علم در فرهنگی دیگر و مبتنی بر ارکانی متفاوت شکل گرفته است، نمی‌تواند به‌صورت کامل و مستقیم در این مسیر نقش خود را عملی نمایند، مگر اینکه در ارکان مختلف آن،^۴ تغییرات لازم شکل بگیرد.

در زمینه روان‌شناسی اجتماعی با رویکرد اسلامی پژوهش‌های محدودی انجام شده است. این پژوهش‌ها نیز به‌اندازه کافی، جهت‌دار و هدفمند برای ایفای نقش در حل مسائل روان‌شناختی جامعه اسلامی انجام نشده‌اند. به تعدادی از آنها اشاره می‌شود: کاویانی در سال ۱۳۷۷ «جایگاه مفهومی ایمان در روان‌شناسی اجتماعی» را مورد بررسی قرار داد و در سال ۱۳۷۹ در پژوهش خود به بررسی مفاهیم روان‌شناسی اجتماعی از منظر منابع اسلامی پرداخت. او در سال ۱۳۹۹ «چیستی روان‌شناسی اجتماعی قرآن‌بنیان» را مورد بررسی قرار داد؛ سالاری‌فر و همکاران (۱۳۸۲)، روان‌شناسی/اجتماعی با نگرش به

1. Description

۲. تجویزهای روان‌شناسی اجتماعی، گاهی از دستاوردهای تجربی خود این علم حاصل می‌شوند. به‌عنوان مثال، ذیل «نظریه تماس» تجویز می‌شود که برای مؤثر بودن «تماس» باید تماس‌های مکرر شکل بگیرد، این تماس‌ها باید در طول زمان پراکنده باشد، نه فوری و پشت‌سر هم، طرفین تماس باید هم‌سطح تلقی بشوند نه رئیس و مرئوس و... گاهی نیز این تجویزها از دستورات مستقیم قوانین اسلامی حاصل می‌شوند، مثل اینکه مولا امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: «...الْمُؤْمِنُ بُشْرَةٌ فِي وَجْهِهِ، حَزْنُهُ فِي قَلْبِهِ...» (نهج البلاغه، حکمت ۳۳۰). در ابعاد مختلف زندگی می‌توان چنین تجویزهایی را از روان‌شناسی اجتماعی دریافت کرد که با آموزه‌های اسلامی هماهنگ باشند.

۳. هرکدام از رشته‌های علوم انسانی و نیز هرکدام از شاخه‌های روان‌شناسی، قواعد کاربردی فراوانی را ارائه می‌کند که در فرایند تدریجی «جامعه‌سازی اسلامی» کاربرد خواهند داشت. این نگارنده در کتاب روان‌شناسی و تبلیغات، با تأکید بر تبلیغ دینی، تعداد قابل توجهی از این قواعد را برشمرده و در قالب مثال توضیح داده است (کاویانی، ۱۳۹۸).

۴. در این پژوهش، منظور از ارکان عبارت است از: تعریف، مبانی، اهداف نظری، اهداف کاربردی، پیش‌فرض‌ها، روش، مفاهیم اساسی، و مسائل و موضوعات. در فرایند تغییر «روان‌شناسی اجتماعی معاصر» به «روان‌شناسی اجتماعی اسلامی» هیچ‌کدام از ارکان مذکور به جز «تعریف» بدون تغییر باقی نمی‌ماند، و هیچ‌کدام نیز تغییر صددرصدی نخواهد داشت.

منابع/اسلامی را تدوین کرده‌اند. پناهی (۱۳۹۳) مقاله‌ای ذیل عنوان «اصول و راهبردهای ارتباطات اجتماعی بر اساس آموزه‌های دینی و روان‌شناسی» منتشر کرده است؛ عبدلی و احمدی (۱۳۹۶)، «خطاهای اسنادی و نقش آن در رفتار انسان را از منظر قرآن کریم» بررسی کرده‌اند. بهشتی (۱۳۹۷)، «نگاهی روان‌شناختی - اجتماعی به باورهای تمدن‌ساز امام خمینی (ع)» کرده است؛ الله‌قلی و عسکری (۱۳۹۸) در مقاله خود «اثر روابط اجتماعی بر شادمانی مبتنی بر روان‌شناسی مثبت و آموزه‌های اسلامی» را بررسی کرده‌اند؛ احمدی و همکاران (۱۳۹۹)، «رفتار حمایتی و شیوه‌های آن از منظر قرآن و روان‌شناسی» را بررسی کرده‌اند؛ دانشمند و همکاران (۱۳۹۹)، «نقش روان‌شناسی اجتماعی - فرهنگی شهرداری در ترویج سبک زندگی اسلامی - ایرانی شهروندان» را بررسی کرده‌اند.^۱

آن‌چنان‌که از پیشینه ذکرشده معلوم می‌شود، سخنی در این باب نیامده است که روان‌شناسی اجتماعی چگونه می‌تواند اسلامی باشد؟ و چگونه می‌تواند در بهترین و بیشترین وجه، نقش خود را در جامعه اسلامی ایفا نماید. از آن سوی، مطالعه قابل توجهی نیز در مورد جامعه‌سازی اسلامی انجام نشده است؛ بنابراین نه «روان‌شناسی اجتماعی» به‌عنوان یک ابزار آمادگی دارد که به آن هدف بپردازد، و نه آن هدف، توسط ابزارهای دیگر مورد بررسی قرار گرفته است.

این پژوهش در پی معرفی «روان‌شناسی اجتماعی اسلامی» به‌صورت کامل نیست؛ چراکه در یک پژوهش و یک مقاله نمی‌گنجد، بلکه فقط تلاش خواهد کرد تا معلوم سازد که روان‌شناسی اجتماعی با چه ارکانی می‌تواند در حل مسائل روان‌شناختی - اجتماعی جامعه اسلامی ایفای نقش کند؟

روش پژوهش

ماهیت این پژوهش در گردآوری اطلاعات اولیه، کتابخانه‌ای است و تحلیل داده‌های آن، به‌صورت گفت‌وگوهای گروهی و تحلیل جمعی، طی چند مرحله انجام شده است. این روش، یکی از روش‌های کیفی محسوب می‌شود. در میان روش‌های کیفی، این روش را «روش اپرا (OPERA)» می‌نامند. در واقع، روش اپرا با تمرکز بر روش‌ها و تسهیلات گروه‌های، بر آن است که نه‌تنها عقیده‌ها و اندیشه‌های خلاقانه را در قالب بارش فکری بیرون کشد، بلکه بر آن است که مشارکت نیروهای خلاق و نوآور را در

۱. در خصوص «جامعه‌سازی»، به‌ویژه «جامعه‌سازی اسلامی» مطالعات بسیار کمی انجام شده است. در این باب می‌توان به اثر حکیمی (۱۳۸۲) تحت عنوان جامعه‌سازی قرآنی اشاره کرد؛ هاشمی‌نسب (۱۳۹۸) مقاله‌ای تحت عنوان «الگوی جامعه‌سازی اقلیت‌های شیعه، تجربه‌های لبنان و نیجریه» منتشر کرده است؛ شکرانی و سلیمی (۱۳۹۸) پژوهشی تحت عنوان «بررسی جامعه‌سازی قرآن در بستر تاریخی نزول» انجام داده‌اند؛ محمدی آشنایی (۱۳۸۶)، پژوهشی تحت عنوان «جامعه‌سازی دینی در سیره نبوی (ص)» منتشر کرده و عالم‌زاده نوری (۱۳۹۲) نیز، کتابی تحت عنوان خودسازی و جامعه‌سازی در برنامه فعالیت‌های جوان مسلمان تألیف کرده است.

کنار هم در حل مسئله یا پاسخ دقیق فراهم سازد (میرزایی، ۱۳۹۶). اپرا از حروف اول چند کلمه تشکیل شده است که هر کدام به‌عنوان یک مرحله از این روش به‌حساب می‌آیند: «Own Thoughts»، یعنی «اندیشه‌های خود»؛ «Pair suggestions»، یعنی «پیشنهاد‌های جفت‌شده با هم»؛ «Explaining»، یعنی «تبیین کردن»؛ «Ranking»، یعنی «رتبه‌بندی کردن»؛ و آخرین مرحله «Arranging»، یعنی «آرایه‌بندی» (خنیفر و مسلمی، ۱۳۹۸). این روش، شباهت دارد به روش دلفی، آنگاه که فقط در یک مرحله انجام بشود و در مراحل بعدی ادامه پیدا نکند. نحوه انجام کار در این پژوهش این‌گونه بوده است که ایده‌های اولیه توسط استاد در کلاس درس دکتری قرآن و روان‌شناسی مطرح شده است؛ آنگاه توسط دانشجویان دقیق و دغدغه‌مند به بحث گذاشته شده و پیشنهاد‌های گروهی در رفت و برگشت‌های متعدد کلامی یکپارچه شده است؛ آنگاه جمع‌بندی محتوایی مطالب توسط استاد شکل گرفته و دیگران نیز آن را کامل کرده‌اند؛ و در آخرین مرحله، استاد با بیان و عبارت‌پردازی‌های خودش مطالب را گزارش کرده است.

این گفت‌وگو به روش اپرا در مورد تمام ارکان روان‌شناسی اجتماعی صورت پذیرفته است، لکن از آنجاکه تبیین و تطبیق تمام ارکان «روان‌شناسی اجتماعی معاصر» با «روان‌شناسی اجتماعی اسلامی» در یک مقاله ممکن نیست، تنها در چند رکن (مبانی، مفاهیم اساسی، اهداف و روش) این تطبیق به اختصار صورت گرفته است.

یافته‌های پژوهش

تعریف روان‌شناسی اجتماعی

تعاریف مختلفی برای روان‌شناسی اجتماعی ارائه شده است: ۱. تلاشی برای درک و توضیح چگونگی تأثیر حضور واقعی، خیالی یا ضمنی دیگران بر افکار، احساسات و رفتار افراد (آلپورت، ۱۹۲۴)؛ ۲. مطالعه موضوعات، مشکلات و مسائل مرتبط با روان‌شناسی و جامعه (دیوید مایرز، ۲۰۰۲)؛ ۳. مطالعه علمی تأثیر فرایندهای اجتماعی و شناختی بر شیوه‌های درک، نفوذ و ارتباط با دیگران (اسمیت، ۲۰۰۰). با توجه به تعاریف متعدد می‌توان گفت: «روان‌شناسی اجتماعی، دانشی است که به مطالعه علمی تأثیر متقابل افراد بر یکدیگر می‌پردازد و درصدد یافتن علل و چگونگی پدیدآیی رفتار، احساسات و افکار افراد در موقعیت‌های اجتماعی است (سالاری‌فر و همکاران، ۱۳۸۲). این تعریف، جامعیت دارد و مورد نظر این پژوهش است. «روان‌شناسی اجتماعی معاصر» و «روان‌شناسی اجتماعی اسلامی» در تعریف متفاوت نیستند، بلکه انطباق دارند.

بعضی از مبانی^۱ روان‌شناسی اجتماعی معاصر

پژوهش‌ها و مطالب زیادی در باب «مبانی روان‌شناسی اجتماعی» به فارسی وجود ندارد. محمود حیدریان کتابی را با عنوان *مبانی روان‌شناسی اجتماعی* منتشر کرده است. در این کتاب به مبانی‌ای مثل «نظریه لذت‌گرایی»، «نظریه خودگرایی»، «نظریه خردگرایی»، «نظریه همدردی» و مباحثی ذیل عناوین «تقلید»، «تلقین»، «رهبری و سازمان» و... پرداخته است (حیدریان، ۱۳۴۹). جواد طهوریان نیز، بخشی از کتاب *روان‌شناسی اجتماعی* لندزی را ترجمه کرده و توسط انتشارات آستان قدس رضوی، ذیل عنوان کتاب *مبانی روان‌شناسی اجتماعی* (۳) منتشر کرده است. در این کتاب نیز به مباحثی با عناوین «نظریه تعامل نمادی»، «نظریه نقش»، «نظریه سازمان‌ها» و... پرداخته است. اینها بیشتر ناظر به ساختار درونی روان‌شناسی اجتماعی است.

منظور ما از مبانی، باورهای است که در سطح پارادایمی رواج یافته است و در تمام ابعاد این علم حضور یافته و مؤثر واقع می‌شود. در ادامه، ابتدا به بعضی از مبانی اشاره می‌شود که بر «روان‌شناسی اجتماعی معاصر» حاکم است و مورد تأیید فرهنگ اسلامی نیست؛ بنابراین نباید در «روان‌شناسی اجتماعی معاصر» حضور داشته باشد؛ سپس به بعضی از مبانی اشاره می‌شود که در جامعه اسلامی از اهمیت زیادی برخوردار هستند؛ بنابراین «روان‌شناسی اجتماعی اسلامی» باید از ابتدای شکل‌گیری، در ترسیم و تنظیم نقشه راهش مبتنی بر این مبانی شکل بگیرد. ممکن است بعضی از آن مبانی در مقیاس دنیایی و انسان‌گرایی مورد تأیید روان‌شناسی اجتماعی معاصر هم باشد، لکن برای جامعه اسلامی کفایت نمی‌کند.

۱. مادی‌گرایی

اولین خشت از بنای بلند یک علم را نگاه آن به هستی و جهان می‌سازد و ما به‌رغم تنوع بسیار در روش‌ها و مدل‌های تبیینی علم روان‌شناسی، شاهد این هستیم که هستی‌شناسی علم جدید روان‌شناسی، مادی است و چیزی بیشتر از ماده را قبول ندارد (بونژه، ۱۹۸۷^۲). اگرچه در روان‌شناسی اجتماعی به‌صورت مستقیم از «پایه‌های زیستی رفتار» سخن گفته نمی‌شود، لکن مادی‌گرایی در همه ارکان آن حضور دارد؛ ارکانی مثل اهداف، پیش‌فرض‌ها، روش‌ها، مسئله‌گزینی، مفاهیم اساسی و... در هستی‌شناسی ماده‌گرایان، اساس و حقیقت جهان ماده است. هیچ چیز غیرمادی در جهان وجود ندارد. پدیده‌هایی مانند روح، حیات، تفکر و شعور نیز شکلی از ماده هستند. تفکر و اندیشه نیز حاصل

۱. برای بررسی‌های تفصیلی در باب مبانی، خواننده متن را به پژوهش‌هایی که در باب «مبانی علوم انسانی» انجام شده است، ارجاع می‌دهیم: (رک: عبدلی مسینان و خسروپناه، ۱۳۹۸؛ شریفی، ۱۳۹۵).

فعالیت‌های توده‌مادی مغز می‌باشد. به طریق اولی، خدا و جهان پس از مرگ نیز جایگاهی در روان‌شناسی جدید ندارد (بونزه، ۱۹۸۷). به‌خوبی معلوم است که با چنین مبانی اصولاً «جامعه‌سازی اسلامی» معنای درستی پیدا نمی‌کند.

۲. جزئی‌نگری

از آنجاکه علوم انسانی معاصر، از جمله روان‌شناسی اجتماعی، ذیل پارادایم «اثبات‌گرایی» تعریف شده و در پژوهش‌هایشان نیز غلبه با رویکرد تجربی است، نظریه‌های این علوم، از جمله نظریه‌های روان‌شناسی اجتماعی نیز، به اقتضای روش تجربی‌شان، جزئی‌نگر هستند و نگاه جامعی به انسان ندارند که بتوانند همه ابعاد وی را در نظر بگیرند. هرکدام صرفاً بخشی از آن را توصیف یا تبیین کرده‌اند. روان‌شناسی اجتماعی نیز وقتی به موضوعاتی مثل «پرخاشگری»، «رفتار حمایتی»، «هویت اجتماعی»، «شناخت اجتماعی»، «ادراک اجتماعی» و... می‌پردازد، این موضوعات را فقط در قالب فرایندهای تجربی، مادی و دنیایی بررسی می‌کند و بیشتر از آن را نه احساس نیاز می‌کند و نه ابزار و روش آن را در اختیار دارد. بنابراین از تبیین رفتارهای متعدد دیگری مثل «ایثارگری در دفاع از آرمان‌ها»، «دویدن در میدان مین» یا «خوابیدن روی سیم‌خاردار» و... ناتوان است؛ چون استدلال فرامادی در روش‌شناسی‌اش جایگاهی ندارد و انگیزه‌های معادمحور در انسان‌شناسی‌اش تعریف نشده است و اهداف کاربردی روحانی در مفاهیم اساسی‌اش دیده نشده است. نتیجه این محدودیت‌ها، جزئی‌نگری خواهد بود، اما «روان‌شناسی اجتماعی اسلامی» این محدودیت‌ها را ندارد. اسلام نگاه جامع به انسان دارد، هم به ساحت تجربی‌اش توجه می‌کند، هم ظرفیت‌های استدلال‌های فلسفی‌اش را به رسمیت می‌شناسد، هم شناخت‌ها، عواطف و احساسات او را تعمیم می‌دهد. از «دنیا» به «دنیا و آخرت»، و از «مادیت» به «مادیت و معنویت»، و از نگاه برشی «اینجا و اکنون» به نگاه پیوستاری «گذشته، حال و آینده»، و همه اینها به خاطر باور به «روح» است.^۱ این روح دارای شناخت‌ها و عواطف فطری است و بدون رنگ نیست، بلکه رنگ فطرت دارد^۲ و داشته‌های فطری انسان در روان‌شناسی اجتماعی اسلامی به رسمیت شناخته می‌شود (ر.ک: واعظی، ۱۳۷۷).

۳. دنیا‌گرایی

باور به معاد، بر کل «هندسه معرفتی اسلام» حاکم است.^۳ این باور، از مبانی هستی‌شناختی و اعتقادی است که در تمام علوم اسلامی، از جمله در «روان‌شناسی اجتماعی اسلامی» نیز حضور دارد. این حضور

۱. «فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ» (حجر: ۲۹)

۲. «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا» (روم: ۳۰)

۳. «مِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَيَأْتِيهِمْ الْآخِرُ...» (بقره: ۸)؛ «هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ» (حشر: ۲۲)

هم در تمام انتخاب‌ها و تصمیم‌گیری‌های روان‌شناس اجتماعی مسلمان و هم در رفتارهای اجتماعی انسان کنشگر مسلمان آشکار و مؤثر خواهد بود. معادباوری و ایمان به غیب و ترتیب اثر دادن به غیب در زندگی روزمره، یکی از باورهای مهم و اصیل اسلامی است. این باور در رفتارهای فردی و اجتماعی افراد تأثیر فراوان می‌گذارد. اگر باور فرد این‌گونه باشد که: «من فقط تا زمان مرگ فرصت دارم تا از لذت‌های دنیا بهره‌مند بشوم و زندگی بعد از مرگ وجود ندارد»، این باور تمام رفتارهای فردی و اجتماعی او را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این تفاوت در ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری او حضور پیدا می‌کند. قواعد روان‌شناختی حاکم بر او نیز در همین محدوده تعریف می‌شود، اما جامعه‌سازی اسلامی مبتنی بر معادباوری است. اگر روان‌شناس اجتماعی مسلمان بخواهد در جامعه اسلامی، پژوهش‌های روان‌شناختی اجتماعی انجام دهد، با موضوعات و مسائلی مواجه خواهد بود که در جامعه غیراسلامی موضوعیت ندارند. بعضی از این مسائل عبارت‌اند از: نماز جماعت، نماز جمعه، جهاد، امر به معروف، نهی از منکر، مواسات، انفاق، قرض‌الحسنه، مراسم‌های شادی و سوگواری اسلامی، زیارت معصومین علیهم‌السلام مثل زیارت اربعین، صلۀ ارحام، خانواده گسترده و...

۴. انسان‌محوری

روان‌شناسان برای انسان یک وجود استقلالی محض در نظر گرفته و انسان را خالق تمام ارزش‌های واقعی و این‌جهانی و حاکم بر شئون هستی می‌دانند. تحقق خواسته‌ها و شکوفایی انسان، بر همه چیز مقدم است. این دیدگاه، فردنگری، خودمحوری و خودخواهی انسان را افزایش داده و صفات فراوانی را در او پرورش می‌دهد که مناسب با جامعه اسلامی نیست. به‌عنوان مثال، نظریه‌های «لذت‌گرایی»، «خودگرایی»، «خردگرایی» و «نظریه همدردی» که در کتاب مبانی روان‌شناسی اجتماعی آمده است، کاملاً انسان‌محور هستند. همین‌طور اگر به دیدگاه‌های بعضی از صاحب‌نظران مشهور روان‌شناسی اجتماعی دقت کنیم، این معنا را به روشنی درمی‌یابیم: آلپورت به حضور دیگران و تسهیل اجتماعی پرداخت، فستینگر ناهماهنگی شناختی را مطرح کرد، واینر به «نظریه اسناد» معروف است، سالمون اش^۱ درباره هم‌نوایی^۲ و اطاعت از اکثریت مطالعه کرد، کورت لوین^۳ یکی از پدیدآورندگان نظریه گشتالت است. او مفهوم فاصله اجتماعی را بررسی کرد و نظریه میدانی^۴ را ارائه داد، میلگرام^۵ بیشتر به

-
1. Solomon Asch
 2. conformity experiments
 3. Kurt Lewin
 4. field theory
 5. Stanley Milgram

خاطر آزمایش شوک الکتریکی درباره اطاعت از اقتدار^۱ معروف است، زیمباردو^۲ به خاطر آزمایش زندان استنفورد^۳ شناخته شده است. او در آزمایشش بر روی زندانیان، تأثیر محیط بر فرد را سنجید، بندورا^۴ به عنوان بنیان‌گذار نظریه یادگیری مشاهده‌ای معروف شده است.^۵ همه اینها در چارچوب «انسان‌گرایی» عمل کرده‌اند و در پژوهش‌های خود چیزی فراتر از انسان را به رسمیت نشناخته‌اند، اما در اسلام، محور هستی خالق هستی است، پایگاه و شأن انسانیت در ارتباط با او معنا پیدا می‌کند (نیک‌صفت، ۱۳۸۵). در روان‌شناسی اجتماعی اسلامی چند تفاوت ممکن است در موارد فوق رخ دهد: الف) ممکن است این موضوعات در اولویت پژوهش و تجربه نباشند؛ ب) اگر در اولویت پژوهش باشند، ممکن است به خاطر باورمندی آزمودنی‌ها به باورهای الهی، نتایج متفاوتی حاصل شود. به عبارت دیگر، بافت فرهنگی متفاوت ممکن است نتیجه متفاوت بدهد؛ ج) اگر در رویکرد تجربی، همین نتایج حاصل شود، ممکن است پژوهشگر در تحلیل یافته‌هایش از داده‌های عقلی و نقلی نیز استفاده کند.

۵. غیرارزشی بودن

ارزش‌ها، اعم از غایی یا ابزاری، زیربنای هنجارها، نهادها و ساخت اجتماعی را تشکیل می‌دهند. ارزش‌ها را می‌توان بر مبنای جهانی، ملی، یا قومی و محله‌ای تقسیم کرد (کاویانی، ۱۳۹۹). ارزش‌های اجتماعی ممکن است از نوع دینی، اقتصادی، حقوقی، اخلاقی، سیاسی یا فرهنگی باشند. روان‌شناسی اجتماعی معاصر هیچ ارزش اولیه ذاتی را نمی‌تواند برای انسان به رسمیت بشناسد و بر اساس آن ارزش‌ها، در جامعه‌سازی ایفای نقش نماید. اگر بخواهد در «جامعه‌سازی اسلامی» ایفای نقش نماید، باید ارزش‌هایی مثل، صداقت،^۶ نوع‌دوستی،^۷ ضرورت تقوا،^۸ اصلاح بین انسان‌ها،^۹ احترام مالکیت برای دیگران^{۱۰} و ده‌ها ارزش اجتماعی دیگر را که از قرآن به دست می‌آید، به صورت اولیه و ذاتی در مبانی خودش داشته باشد و آنها را به رسمیت بشناسد تا بر اساس آنها در جامعه اسلامی ایفای نقش نماید.

1. obedience to authority
2. Philip Zimbardo
3. Stanford prison experiment
4. Albert Bandura
5. observational leaning

۶. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» (توبه: ۱۱۹)

۷. «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (حجرات: ۱۰)

۸. «إِن أكرمکم عند الله اتقاکم» (حجرات: ۱۴)

۹. «لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِنْ نَجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ...» (نساء: ۱۱۴)

۱۰. «لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ...» (بقره: ۱۸۹)

البته این نکته اختصاص به روان‌شناسی اجتماعی ندارد، بلکه هر علمی که رویکرد تجربی دارد، همین اشکال بر آن وارد است.

بعضی از مبانی روان‌شناسی اجتماعی اسلامی

روان‌شناسی اجتماعی برای ایفای نقش در «جامعه‌سازی اسلامی»، علاوه بر اجتناب و دوری از مبانی که ذکر شد، باید منطبق باشد بر بعضی مبانی دیگری که در فرهنگ اسلامی جریان دارد و در «جامعه‌سازی اسلامی» از جایگاه مهمی برخوردار هستند. این مبانی را در قالب‌های هستی‌شناختی، انسان‌شناختی، الهیاتی و ارزش‌شناختی می‌توان شمارش کرد. در جامعه اسلام نمی‌توان از این مبانی چشم پوشید؛ بنابراین روان‌شناسی اجتماعی اسلامی نیز، چون می‌خواهد در این جامعه ایفای نقش کند، باید مبتنی بر این مبانی باشد. به بعضی از این مبانی اشاره می‌شود. نکته مورد تأکید این است که روان‌شناسی اجتماعی معاصر، با این مبانی فاصله زیاد دارد. این مبانی اختصاص به روان‌شناسی اجتماعی اسلامی ندارد، لکن در روان‌شناسی اجتماعی اسلامی نیز باید کاملاً مورد توجه باشند.

۱. تقدم جمع‌گرایی بر فردگرایی

در قرآن مفاهیمی همچون «قوم»،^۱ «حزب»،^۲ «طایفه»^۳ و... وجود دارد که از مجموع اینها دریافت می‌شود که در امور اجتماعی و جامعه اسلامی، «جمع‌گرایی» بر «فردگرایی» تقدم دارد. اگر همه مسلمانان به ریسمان الهی چنگ زنند و متفرق نباشند،^۴ بی‌نیازی آنها از دیگران و قدرت آنان در دستیابی به اهداف خود بیشتر خواهد شد.^۵ این مفاهیم قرآنی، تعیین‌کننده مناسبات رفتاری بسیاری از افراد و گروه‌ها در درون خویش است.^۶ بدون اعتقاد به این مبنا ممکن است کسانی که اسلامی را دین کاملاً فردی می‌دانند، «روان‌شناسی اجتماعی اسلامی» را ضروری ندانند، اما با اعتقاد به این مبنا، ضرورت روان‌شناسی اجتماعی اسلامی مورد تأکید بیشتر قرار می‌گیرد و در تمام ابعاد زندگی حضور می‌یابد.

۱. «مِثْلُ مَا أَصَابَ قَوْمَ نُوحٍ أَوْ قَوْمَ هُودٍ أَوْ قَوْمَ صَالِحٍ وَ...» (هود: ۸۹)

۲. «وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ» (مائده: ۵۶)

۳. «وَقَالَتْ طَائِفَةٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ» (آل عمران: ۷۲).

۴. «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ...» (آل عمران: ۱۰۴)

۵. «وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ...» (مؤمنون: ۵۲-۵۴)

۶. «قِيلَ يَتُوحِ أَهْبِطْ بِسَلَمٍ مِّنَّا وَبَرَكَتٍ عَلَيْكَ وَعَلَى أُمَمٍ مِّمَّنْ...» (هود: ۴۸)

۲. محوریت ولایت حق

«ولایت الهی» مراتبی طولی دارد. اصل اولی در پذیرش ولایت برای همه بندگان، ولایت حق ربوبی است. هیچ‌کس حق ولایت بر دیگران را ندارد، مگر در طول ولایت حق،^۱ فقط خداوند و رسول او و مؤمنین خاص، بر شما ولایت دارند.^۲ مصادیق این ولایت ربوبی، در جای جای زندگی، از قبیل خانواده، جامعه، حکومت و... حضور دارد. بر این اساس، رفتار اجتماعی افرادی که ولایت خداوند و پیامبر ﷺ و امام معصوم ﷺ را به ولی فقیه، در زندگی امروزی خودش نیز سرایت می‌دهند، بسیار متفاوت می‌شود با کسی که چنین اعتقادی ندارد. دریافت و معنادهی اولیه به مفاهیم کلان و اساسی روان‌شناسی اجتماعی مثل پیش‌داوری، پرخاشگری، رفتار حمایتی، جاذبه‌های میان‌فردی، گروه اجتماعی، اسناد، نگرش، ارزش اجتماعی، هنجار اجتماعی، تبعیض نژادی، تصورات قالبی، ادراک اجتماعی، شناختی اجتماعی، هویت اجتماعی و... تا حد زیادی متفاوت می‌شود بین دو نفری که یکی به این ولایت باور دارد و دیگری که آن را باور ندارد. این معنادهی اولیه، بر پژوهش‌ها و تحلیل نظری دستاوردهای آن پژوهش‌ها نیز تأثیر دارد.

۳. «رحمت‌گرایی نسبت به مؤمنان»، «شدت‌گرایی نسبت به کفار»

بر اساس آیات قرآن، مؤمنان نسبت به هم مهربان و صمیمی‌اند، اما در مقابل کفار، بسیار جدی و سخت‌گیرند.^۳ هم کفر، هم ایمان، دو مفهوم پیوستاری و تشکیکی هستند. قدر مسلم و متیقن از کفار مورد نظر این آیه شریفه، کفاری هستند که مسلمانان با آنها ارتباط اجتماعی دارند و آنها دشمن مسلمانان تلقی می‌شوند. باید با کسانی که نقض پیمان کردند و تلاش کردند که پیامبر ﷺ را از شهر بیرون کنند، جنگید.^۴ بر اساس همین مبنا در جامعه‌سازی اسلامی، روابط بین‌فردی و روابط بین‌المللی، جهت خاصی به خود می‌گیرد. از نگاه اسلام، مرزبندی‌های بین مسلمانان و کفار و منافقان، به‌صورت مکرر و موکد و دقیق مورد توجه قرار گرفته است؛ بنابراین در رفتارهای افراد و معنادهی به آن رفتارها نیز تأثیر دارد. روان‌شناسی اجتماعی اسلامی موضوعات پژوهشی متعددی را ذیل همین باور می‌تواند انجام دهد. این باور، در تحلیل دستاوردهای پژوهش‌های دیگر نیز مؤثر خواهد بود.

۱. «و ما ارسلنا من رسول الا لیطاع باذن الله» (نساء: ۶۴)

۲. «انما ولیکم الله ورسوله والذین آمنوا...» (مائده: ۵۵)

۳. «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ...» (فتح: ۲۹)

۴. «أَلَا تَقْتُلُونَ قَوْمًا نُّكَتُوا أَيْمَنُهُمْ وَهُمْ يَخْرَاجُ الرَّسُولُ...» (توبه: ۱۳)

۴. همکاری و تعاون در کارهای مثبت و عدم همکاری در کارهای منفی

خداوند در قرآن بر همکاری در نیکی و تقوا فرمان می‌دهد و از معاونت در گناه و ستم نهی می‌کند.^۱ در جامعه اسلامی و جامعه‌سازی اسلامی، همکاری در کارهای خیر مورد تشویق قرار می‌گیرد و یک ارزش اجتماعی محسوب می‌شود و همکاری در کار بد مورد تنبیه قرار می‌گیرد و ضد ارزش تلقی می‌شود. قرآن می‌فرماید: «در نیکی‌ها و اعمال خیر بر یکدیگر سبقت جوید! هر جا باشید، خداوند همه شما را (در روز رستاخیز) حاضر می‌کند»؛^۲ «مؤمنان به خدا و روز دیگر ایمان می‌آورند، امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و در انجام کارهای نیک پیشی می‌گیرند و آنها از صالحان‌اند».^۳ قرآن «ابرار» را توصیف می‌کند که در بهشت، در نعمت هستند، بر تخت‌هایی تکیه زده‌اند، چهره‌هایی با طراوت دارند و...، آنگاه می‌فرماید که مؤمنان در این امور باید با یکدیگر رقابت کنند.^۴ بنابراین جهت‌گیری‌های «روان‌شناسی اجتماعی اسلامی» نیز همچون همه «هندسه معرفتی اسلام» باید موافق و همسو با این‌گونه اهداف باشد. به لحاظ «انتخاب مسئله پژوهش»، «اخلاق پژوهش، به‌ویژه در میدان»، «روش پژوهش»، «اهداف پژوهش» و... باید در این بافت معنایی جاری شود.

۵. عدالت‌گرایی

یک مبنای دیگر و یکی از راهکارهای مهم برای تدبیر جامعه اسلامی، عدالت‌گرایی است. این مفهوم در کنار مفاهیم دینی - روان‌شناختی دیگر مثل صلح، بغی، ظلم، قسط و... بررسی می‌شود و به‌عنوان راهکاری برای بسیاری از تصمیم‌ها به کار گرفته می‌شود. روان‌شناسی اجتماعی اسلامی، آشکارا و اعلام‌شده در خدمت اهداف اسلامی است، ارزش مدار است. روان‌شناس اجتماعی اسلامی، همچون یک راهبردار فرهنگی که می‌خواهد مسیر درست را برای افراد و گروه‌ها و کل جامعه ترسیم کند، پژوهش‌ها و تلاش‌های این رشته را نیز به‌عنوان یک مکانیزم یا فرایند برای رسیدن به آن اهداف به کار می‌گیرد. به‌عنوان مثال، ایجاد صلح بین مؤمنان و جنگ با ظالمان، از دستورات قرآن کریم است.^۵ روان‌شناسی اجتماعی، در پژوهش‌هایش به دنبال راهکارهای عملیاتی‌سازی این دستور می‌گردد، یا اگر در جامعه، عدالت آموزشی وجود ندارد، روان‌شناسی اجتماعی اسلامی، این را یک مسئله پژوهشی برای خود تلقی می‌کند، و همین‌طور است در همه مسائل مربوط به جامعه اسلامی.

۱. «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ» (مائده: ۲)

۲. «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعًا...» (بقره: ۱۴۸)

۳. «يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَآمَرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَأُولَٰئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ» (آل عمران: ۱۱۴)

۴. «خَتَمَهُ مُسْكَ وَفِي ذَٰلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ» (مطففين: ۲۷)

۵. «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلَحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (حجرات: ۱۰)

مفاهیم و مسائل روان‌شناسی اجتماعی

مباحث مورد مطالعه در روان‌شناسی اجتماعی دو دسته است:

الف) مباحث نظری و بنیادی که به قانونمندی رفتار اجتماعی می‌پردازد؛ این بخش شامل مفاهیمی مثل ادراک اجتماعی، شناخت اجتماعی، نگرش، متقاعدسازی، نفوذ اجتماعی، تصورات قالبی، پیش‌داوری، تبعیض، پرخاشگری و... می‌باشد (کاترین و ساندرسون، ۲۰۱۰). این دسته از مفاهیم، به این لحاظ که قانونمندی‌های روان‌شناختی انسان در جامعه و گروه را ارائه می‌کند، تفاوت زیادی در فرهنگ‌های مختلف ندارند، اما از این جهت که ذیل هر کدام از این مفاهیم، بعضی رویکردهای تجویزی هم ارائه می‌شود، آن رویکردهای تجویزی، در فرهنگ اسلامی و غیراسلامی، تفاوت قابل ملاحظه‌ای دارند (سالاری فر و همکاران، ۱۳۸۲)؛

ب) پژوهش‌هایی است که به مسائل روان‌شناختی در زندگی اجتماعی روزمره مردم می‌پردازد؛ این پژوهش‌ها که تحت عنوان «روان‌شناسی اجتماعی کاربردی» مطرح می‌شوند، در هر سه حوزه پیش‌گفته (توصیف، تبیین و مکانیزم‌های اجرا) حضور پیدا می‌کنند. به‌عنوان مثال، اگر یک محقق بخواهد راجع به ورزش قهرمانی و حرفه‌ای (مثل تیراندازی) در روان‌شناسی اجتماعی اسلامی پژوهش کند، لازم است که اولاً تیراندازی موجود در جامعه و تیراندازی مطلوب از نظر اسلامی را توصیف کند، اگرچه ظاهر هر دو عمل یکی است، اما معنایی و تحلیل اجتماعی آن دو با هم متفاوت است؛ ثانیاً هر کدام از آنها را تبیین علی‌نماید و از این طریق تجویزهای قابل دفاع در مورد تیراندازی را شناسایی کند و در نهایت، تلاش کند تا روان‌شناسی اجتماعی، با تمام دستاوردهایش در عملیاتی‌سازی آن تجویزها ایفای نقش کند.^۱ گستره این دسته، به تعدد و تکرار همه زندگی اجتماعی انسان است و اهمیت زیادی دارد، حتی گاهی گفته می‌شود که مطالعات بنیادین روان‌شناسی مثل رشد، شخصیت، احساس و ادراک و انگیزش و هیجان و... نیز، مقدمه‌ای هستند برای پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی کاربردی. بعضی از این موضوعات عبارت‌اند از: دین، اخلاق، جنسیت، سلامت، قضاوت، کار، تبلیغات، عملیات روانی، سیاست، ورزش و... به عبارت روشن‌تر، روان‌شناسی اجتماعی اسلامی، منحصرأً مشتمل بر جنبه معرفتی نیست، بلکه در کنار آن جنبه معرفتی، رسالتی اجتماعی - اسلامی نیز دارد. روان‌شناسی اجتماعی برای ایفای نقش در جامعه‌سازی اسلامی، باید مسئله‌گزینی‌اش را از جامعه اسلامی و متون اسلامی اخذ کند (جعفری، ۱۳۷۸؛ نجاتی، ۱۳۸۷). برای نمونه، به چند دسته از این مسائل اشاره‌ای می‌شود.

۱. بدیهی است که این مسئله، تنها با ایفای نقش روان‌شناسی اجتماعی اسلامی، به حل نهایی نمی‌رسد، بلکه باید علوم مختلف و نهادها و سازمان‌های مختلف، به‌درستی در این مسیر حرکت کرده و ایفای نقش کنند. آنچه فعلاً مورد بحث ماست، این است که روان‌شناسی اجتماعی اسلامی، از ایفای نقش خودش فروگذار نکند.

۱. نهادهای اسلامی مؤثر در تعاملات اجتماعی

به‌عنوان مثال، مسجد پایگاه مهم عبادی، اجتماعی و سیاسی محسوب می‌شود که انواع ارتباطات انسان‌ها را جهت می‌دهد. مسجد فقط محل تجمع و قرارگاه مؤمنان است، نه غیرمؤمنان.^۱ نماز جمعه نیز از این قبیل است و نقش مهمی در جامعه اسلامی ایفا می‌کند. قرآن در سوره‌ای مستقل به این موضوع پرداخته و به امور جانبی، مثل اقتصاد، خریدوفروش و... نیز توجه کرده است.^۲ نماز جماعت، مراسم شادی و اعیاد اسلامی، سوگواری‌ها برای معصومین علیهم‌السلام نیز، زمینه‌انواعی از تعامل اجتماعی را فراهم می‌کنند که ظرفیت پژوهشی بسیاری را برای روان‌شناسان اجتماعی را فراهم می‌کنند.

۲. شعائر اجتماعی اسلام

«شعائر»، مفهومی فراتر از یک مناسک است و اختصاص به بعضی مناسک ندارد. شعائر با حضور نمادها و ارزش‌های الهی، به‌ویژه در بُعد اجتماعی آشکار و عمومی ایفای نقش می‌کنند. شعائر مثل یک پرچم برای اسلام و جامعه اسلامی تلقی می‌شوند، و لازم است بزرگ داشته شوند.^۳ شعائر الهی نماد و پیشانی گروه و جامعه اسلامی تلقی می‌شوند^۴ (کاویانی، ۱۳۹۹). شعائر اجتماعی اسلام مثل حج، عمره،^۵ نماز جمعه، اذان، نماز، ایام‌الله، راهپیمایی اربعین، زیارت حرم‌های معصومین علیهم‌السلام و... به ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی مسلمانان می‌پردازند. روان‌شناسی اجتماعی، اگر بخواهد در جامعه اسلامی، ایفای نقش کند، باید شعائر اسلامی را مورد پژوهش و عمل قرار دهد؛ یعنی در کنار تغییراتی که در ارکان دیگرش ایجاد می‌شود، باید مسئله‌گزینی‌اش نیز از جامعه اسلامی باشد.

۳. رفتارهای حمایتگرانه

رفتارهای حمایتی^۶ از موضوعات تأثیرگذار در تعاملات اجتماعی است. در جامعه‌سازی اسلامی، رفتارهای حمایتگرانه زیادی بر اساس توصیه‌های اسلام وجود دارد، از جمله این موارد، ایثار است که به معنای مقدم داشتن دیگران بر خود است و افراد در جامعه اسلامی از جان و مال خود به خاطر اسلام و افراد می‌گذرند تا دیگران نیز در راحتی و آرامش باشند.^۷ از موارد دیگر، همدلی و هم‌رنگی و پرداخت نفقات واجب است

۱. «مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَسْجِدَ اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ...» (توبه: ۱۷)

۲. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ...» (جمعه: ۹)

۳. «ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظَمْ شَعِيرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ» (حج: ۳۲)

۴. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَجْلُوا شَعَائِرَ اللَّهِ» (مائده: ۲)

۵. «إِنَّ الصَّلَاةَ وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ...» (بقره: ۱۵۸)

که شامل موارد نفقه زن، پدر و مادر و فرزند^۱ می‌شود. همچنین صدقات مستحب^۲، مواسات^۳، اخوت دینی^۴، سبقت و سرعت در کار خیر^۵ و شاد کردن مؤمنان که هرکس مؤمنی را شاد کند، خداوند در روز رستاخیز او را بسیار دلشاد خواهد کرد (کلینی، ۱۳۶۰). آنچه مهم است، این است که اینها از اخلاق فردی فراتر رفته و تبدیل به هنجار اجتماعی بشوند. روان‌شناسی اجتماعی اسلامی می‌تواند از این موضوعات که به‌عنوان نمونه گفته شد، ده‌ها، بلکه صدها مسئله پژوهشی برگیرد و به آنها بپردازد.

۴. تعامل‌های اجتماعی

بسیاری از تعاملات اجتماعی و بین‌فردی در فرهنگ اسلامی متفاوت با فرهنگ غیراسلامی است. روان‌شناسی اجتماعی، اگر بخواهد در «جامعه‌سازی اسلامی» ایفای نقش کند، باید تعاملات اجتماعی مربوط به جامعه اسلامی را در سه حوزه (توصیف، تبیین و راهکارها و مکانیزم‌های اجرایی) با رویکرد اسلامی مورد پژوهش قرار دهد. حیطه‌هایی مثل بازار، ورزش، سیاست، تفریح، حمل و نقل و ترافیک، خانواده، قضاوت، بازپرسی و شهادت در دادگاه، تعامل‌های آموزشی و تربیتی در آموزش و پرورش، الگوی اجتماعی مهد کودک‌ها، جنسیت، تبلیغ، عملیات روانی، روابط عمومی، و مسائل رده‌های زیرین هر کدام از اینها... همه و همه، باید با رویکرد اسلامی مورد پژوهش و اجرا قرار بگیرند. به این ترتیب، پژوهش‌هایی که در این شاخه علمی شکل می‌گیرد، گوشه‌هایی از روان‌شناسی اجتماعی اسلامی را به نمایش خواهد گذاشت. اگر آسیب‌شناسی تعامل‌های اجتماعی در جامعه اسلامی صورت می‌گیرد، باید با توجه به آموزه‌ها و تجویزهای اسلامی شکل بگیرد. به‌عنوان مثال، پرخاشگری در قرآن منع شده است^۶، ولی این دیدگاه، مطلق و عام نیست. در اسلام پرخاشگری‌های لازم و ضروری هم وجود دارد. مهم این است که جهت‌گیری آن پرخاشگری به چه سوی و با چه هدفی و در چه موردی باشد. خداوند به فرشتگانی قسم یاد می‌کند که جان کافران را به سختی می‌ستانند.^۷ بعضی انبیا در مورد بت‌ها، خشونت به خرج می‌دهند.^۸ قرآن، دستورهای صریح به اعدام، تبعید، بریدن دست^۱ و موارد دیگر می‌دهد.

۱. «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ...» (بقره: ۲۳۳)؛ «لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِّن سَعَتِهِ وَمَنْ قُدِرَ...» (طلاق: ۷)؛ «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ...» (نساء: ۳۴)

۲. «إِنَّمَا الصَّدَقَتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ» (توبه: ۶۰)

۳. «لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِّن سَعَتِهِ وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ» (طلاق: ۳۴)

۴. «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلَحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ...» (حجرات: ۱۰-۹)

۵. «وَلِكُلٍّ وِجْهَةٌ هُوَ مُوَلِّئُهَا فَاسْتَيقُوا الْخَيْرَاتِ» (بقره: ۱۴۸)

۶. «وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ لَا تَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ وَلَا تُخْرَجُونَ» (بقره: ۸۴)

۷. «وَالنَّازِعَاتُ غَرَقًا» (نازعات: ۱)

۸. «فَجَعَلْنَاهُمْ جَذَاءً إِلَّا كَبِيرًا لَهُمْ لَعْلَهُمْ إِلَيْهِ يَرْجِعُونَ» (انبیاء: ۵۸)

اهداف روان‌شناسی اجتماعی

روان‌شناسی اجتماعی موجود، به دنبال افزایش شناخت درباره رفتار اجتماعی انسان است (بدار و همکاران، ۱۳۸۰)، و به توصیف، تبیین، پیش‌بینی و کنترل رفتار اجتماعی می‌پردازد. برای مثال هنگام تماشای بازی فوتبال در استادیوم، افراد چه رفتاری از خودشان نشان می‌دهند، علل این رفتارها چیست؟ و چطور رخ می‌دهند؟ در چه موقعیت‌هایی ممکن است در استادیوم از خود پرخاشگری نشان دهند؟ و چطور می‌شود این پرخاشگری را کاهش داد؟ روان‌شناسی اجتماعی معاصر هدف پژوهش‌های خود را «رضایت از زندگی دنیوی و کاهش جرم و سازگاری انسان‌ها با یکدیگر» قرار داده است. این روان‌شناسی، برای ایفای نقش در «جامعه‌سازی اسلامی» باید به دنبال شناخت کامل‌تری از رفتار اجتماعی انسان مسلمان با سبک زندگی اسلامی باشد؛ همچنین رضایت از زندگی و سلامت را به‌عنوان هدف نزدیک و شکل دادن روابط اجتماعی بر پایه توحید و رشد و تعالی انسان و رسیدن به بندگی خداوند را هدف نهایی خود قرار دهد؛ رفتارهای اجتماعی را بر اساس قواعد متعالی اسلام تنظیم کند. این گرایش از روان‌شناسی، باید در اهداف کاربردی خود، تابعی از اهداف کاربردی «هندسه معرفتی اسلام» باشد و در اهداف نظری نیز به نظریه‌پردازی‌های اسلامی در باب موضوعات مختلف بپردازد و زمینه را برای کاربردی‌ترین آن نظریه‌ها فراهم سازد (کاویانی، ۱۳۹۹). یک علم اگر بخواهد اسلامی باشد، علاوه بر کنشگران، خود علم و فلسفه آن علم، اهداف اسلامی را برای آن ترسیم می‌کنند، در غیر این صورت، در اسلامی بودن آن، یا حداقل در درجه اسلامی بودنش تردید هست.

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش، تلاش شد تا معلوم شود که روان‌شناسی اجتماعی برای ایفای نقش در «جامعه‌سازی اسلامی»، چه تغییراتی را در بعضی از ارکان خود (تعریف، مبانی، موضوعات و مسائل، اهداف و روش‌ها) باید بپذیرد. در باب این ارکان و تغییرات لازم در آنها، توضیح داده شد، اما به خاطر محدودیت حجم مقاله، از توضیح درباره ارکان دیگر، مثل «روش»، «پیش‌فرض‌ها»، «اهداف نظری» و «مفاهیم اساسی» صرف‌نظر شد. در باب «تعریف روان‌شناسی اجتماعی»، تغییری لازم نبود، بلکه انطباق دارند؛ در باب مبانی، تغییرات بسیار مهم و اساسی باید ایجاد شود که به تفصیل بحث شد؛ در زمینه موضوعات و مسائل مورد پژوهش، گفته شد که: ۱. در پژوهش‌های توصیفی مربوط به مفاهیم، انطباق وجود دارد، اما در مباحث تجویزی مربوط به مفاهیم، باید رویکرد تجویزی اسلام در آنها اشراق شود؛ ۲. در باب

۱. «أَنْ يُقْتَلُوا أَوْ يَصَلُّوا أَوْ يَنْقُطَعَ أَرْجُلُهُمْ أَوْ جُلُوعُهُمْ مِنْ خِلَافٍ» (مانده: ۳۳)

مسائل مورد پژوهش، معلوم شد که روان‌شناسی اجتماعی، باید مسئله‌گزینی‌اش را به‌صورت کامل از نیازهای جامعه اسلامی و متون اسلامی به‌دست بیاورد. در زمینه اهداف کاربردی، گفته شد که روان‌شناسی اجتماعی، باید تابعی از اهداف کاربردی هندسه معرفتی اسلام باشد.

در انتها، قابل یادآوری است که اگر روان‌شناسی اجتماعی، با ملاحظه تغییرات اشاره‌شده در این پژوهش، و تغییرات در ارکان دیگری که به پژوهشی دیگر واگذار شد، تلاش کند تا در جامعه‌سازی اسلامی ایفای نقش کند، به‌تدریج در طول زمان، بخش‌هایی از محتوایی که می‌توان آن را «روان‌شناسی اجتماعی اسلامی» نامید، حاصل می‌شود.

فرایند شکل‌گیری روان‌شناسی اجتماعی اسلامی، بسیار طولانی و گسترده دامن است، لکن به اختصار می‌توان اشاره کرد که در این فرایند، در هر مسئله و هر موضوع پژوهشی که مطرح می‌شود، ابتدا باید یک «مدل مفهومی» در آن موضوع تهیه شود؛ آن مدل، به لحاظ نظری باید در درون خودش انسجام و تلائم لازم را داشته باشد و از روایی محتوایی لازم برخوردار باشد؛ آنگاه به تناسب نوع مسئله و موضوع مورد پژوهش، مدل اجرایی مناسب با آن فراهم می‌شود. این مدل اجرایی ممکن است یک مداخله باشد، یک پیمایش میدانی باشد، یک بسته آموزشی باشد، ساخت و اجرای یک آزمون باشد، یک پروتکل درمان باشد یا هر شکل دیگری از مدل‌های اجرایی. اگر این مدل اجرایی به‌صورت آزمایشی اجرا شد و پاسخ مناسب را داد، آنگاه به‌عنوان «یک رویکرد در آن مسئله» قابل ارائه به جامعه علمی خواهد بود. اگر این رویکرد در طول زمان و در پژوهش‌ها و آزمایش‌های متعدد دوام آورد و مورد توجه صاحب‌نظران قرار گرفت، می‌توان آن را یک «نظریه» در مورد آن مسئله دانست. این نظریه، اگرچه با مبانی اسلامی شکل گرفته و با بافت مفهومی اسلام انطباق کامل دارد، اما اکنون برای غیرمسلمانان نیز قابل استفاده خواهد بود.

منابع

- قرآن کریم. ترجمه ناصر مکارم شیرازی. تهران: دار القرآن الکریم.
- احمدی، محمد رضا؛ میردیکوندی، رحیم و حسنی، محمود (۱۳۹۹). رفتار حمایتی و شیوه‌های آن از منظر قرآن و روان‌شناسی. معرفت، ۲۹(۸)، ۷۸۶۷.
- بدر، لوک و همکاران، (۱۳۸۰). روان‌شناسی اجتماعی. ترجمه حمزه گنجی. تهران: ساوالان.
- بهشتی، محمد (۱۳۹۷). نگاهی روان‌شناختی - اجتماعی به باورهای تمدن‌ساز امام خمینی. مطالعات اسلام و روان‌شناسی، ۲۲، ۱۰۸-۸۵.
- پناهی، احمدعلی (۱۳۹۳). اصول و راهبردهای ارتباطات اجتماعی بر اساس آموزه‌های دینی و روان‌شناسی. پژوهش‌های اجتماعی/اسلامی، ۱۳۱، ۳۱-۵.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۷۸). در قلمرو معرفت، روان‌شناسی اسلامی. تهران: پیام آزادی.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ق). تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. بیروت: مؤسسه آل البيت. لاجیاء التراث.

- حکیمی، محمدرضا (۱۳۸۲). *جامعه‌سازی قرآنی*. قم: دلیل ما.
- حیدریان، محمود (۱۳۴۹). *مبانی روان‌شناسی اجتماعی، جامعه‌شناسی روانی، مدرسه عالی ادبیات و زبان‌های خارجی*. تهران: نگاه دانش.
- خنیر، حسین و مسلمی، ناهید (۱۳۹۸). *مبانی و اصول روش‌های پژوهش کیفی*. تهران: نگاه دانش.
- سالاری‌فر، محمدرضا و همکاران (۱۳۸۲). *روان‌شناسی اجتماعی با تکرش به منابع اسلامی*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- شجاعی، محمدصادق (۱۳۸۸). *روان‌شناسی اسلامی، مبانی، تاریخچه و قلمرو*. قم: دار الحدیث.
- شریف‌رضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق). *نهج البلاغه*. تصحیح: صبحی صالح. قم: هجرت.
- شریفی، احمدحسین (۱۳۹۵). *مبانی علوم انسانی اسلامی*. تهران: آفتاب توسعه.
- شکرانی، رضا و سلیمی، هادی (۱۳۹۸). بررسی جامعه‌سازی قرآن در بستر تاریخی نزول. *تفسیرپژوهی*.
- عالم‌زاده نوری (۱۳۹۲). *خودسازی و جامعه‌سازی در برنامه فعالیت‌های جوان مسلمان*. مشهد: آستان قدس رضوی.
- عبدلی مسینان، مرضیه و خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۹۸). بررسی مبانی انسان‌شناختی علوم انسانی غربی و اقتضانات روش‌شناختی آن. *مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی*.
- عبدلی، هادی و احمدی، محمدرضا (۱۳۹۶). خطاهای اسنادی و نقش آن در رفتار انسان از منظر قرآن کریم. *پژوهش‌نامه سبک زندگی*، ۴، ۲۵-۷.
- عبدلی، هادی و کاویانی، محمد (۱۳۹۸). نقشه راه شکل‌گیری روان‌شناسی اجتماعی قرآن‌بنیان. *مجموعه مقالات دومین کنگره علوم انسانی قرآن‌بنیان*. دانشگاه علامه طباطبائی.
- کاویانی، محمد (۱۳۷۷). جایگاه مفهومی ایمان در روان‌شناسی اجتماعی. *روان‌شناسی علوم انسانی*، ۴ (۱۶ و ۱۷)، ۱۱۸-۱۳۲.
- کاویانی، محمد (۱۳۷۹). *بررسی مفاهیم روان‌شناسی اجتماعی از منظر قرآن*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- کاویانی، محمد (۱۳۹۸). *روان‌شناسی و تبلیغات، با تأکید بر تبلیغ دینی*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- کاویانی، محمد (۱۳۹۹). چپستی روان‌شناسی اجتماعی قرآن‌بنیان. *قرآن و علم*، ۱۴ (۲۶)، ۳۵-۶۴.
- کریمی، یوسف (۱۳۷۳). *روان‌شناسی اجتماعی*. تهران: بعثت.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۰). *اصول کافی*. ترجمه سیدجواد مصطفوی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اهل بیت (ع).
- الله‌قلی، محمدعلی و عسکری، آزاده (۱۳۹۸). بررسی اثر روابط اجتماعی بر شادمانی مبتنی بر روان‌شناسی مثبت و آموزه‌های اسلامی. *مطالعات اجتماعی اسلامی*، ۲۵ (۱)، ۵۹-۸۶.
- لیندزی، گاردنر (۱۳۷۶). *مبانی روان‌شناسی اجتماعی*. ترجمه معاونت فرهنگی آستان قدس. مشهد: آستان قدس رضوی.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- محمدی‌آشنایی، علی (۱۳۸۶). جامعه‌سازی دینی در سیره نبوی (ص). *اندیشه تقریب*، ۱۰، ۱۵-۴۱.
- مصلحی، جواد و کاویانی، محمد (۱۳۹۹). چپستی و روان‌شناسی دانش روان‌شناسی در قرآن. *قرآن و علم*، ۱۴ (۲۶)، ۶۵-۹۴.
- میرزایی، خلیل (۱۳۹۶). *کیفی‌پژوهی، پژوهش، پژوهگری و پژوهش‌نامه‌نویسی*. تهران: فوژان.
- نجاتی، محمد عثمان (۱۳۸۷). *حدیث و روان‌شناسی*. ترجمه حمیدرضا شیخی. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- نوذری، محمود (۱۳۸۸). پیوند اخلاق و حقوق خانواده. *پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*، ۵۵ و ۵۶.
- نیک‌صفت، ابراهیم، ۱۳۸۵، بررسی تطبیقی روش‌شناسی شخصیت کامل در غرب و اسلام، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تربیت معلم.
- واعظی، احمد (۱۳۷۷). *انسان از دیدگاه اسلام*. تهران: سمت.
- هاشمی‌نسب، سیدسعید و همکاران (۱۳۹۸). الگوی جامعه‌سازی اقلیت‌های شیعه، بازخوانی تجربه لبنان و نیجریه. *علوم سیاسی*، ۸۸.
- الله‌قلی، محمدعلی و عسکری، آزاده (۱۳۹۸). بررسی اثر روابط اجتماعی بر شادمانی مبتنی بر روان‌شناسی مثبت و آموزه‌های اسلامی. *پژوهش‌های اجتماعی اسلامی*، ۲۵ (۱)، ۸۶.

- Allport, G. W. (1985). Attitudes, c. Murchison (ed.). handbook of Sicial psychology. worcester, MA: Clark university press.
- Alport. F. H. (1924). Social Psychology. Boston. Houghton Mifflin.
- Baron. R. A. & N. R. Branscombe (2012). *Social Psychology*. New Jersey: Pearson.
- Bunge, Mario & Ruben Ardila (1987). *Philosophy of Psychology*. U S A: Spring - Verlag.
- Catherin A. & Sanderson (2010). *Social Psychology*. U S A: WILEY.
- Janis, I. L.(1982). *Victims of Groupthink*. Bastan: Houghton Mifflin.
- Smith, E. R. (2000). *Social Psychology*. U S A: Pschology Press.